

کشتار سازمان یافته شیعیان در پاکستان (علل، اهداف، بازیگران)

رحمان نجفی سیار^۱
عباس علی پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۸/۵
فصلنامه آفاق امنیت/ سال ششم / شماره بیستم - پاییز ۱۳۹۲

چکیده

کشتار شیعیان پاکستان نتیجه گسترش تروریسم فرقه‌ای در این کشور است که از سال ۱۹۸۹ به صورت سازمان یافته توسط گروه‌های بنیادگرای افراطی نظیر «سپاه صحابه»، «لشکر جهنگوی»، «جیش محمد»، «لشکر طیبه» و سایر گروه‌های ضد شیعی به وقوع می‌پیوندد. حمایت‌های آمریکا و غرب در کنار اعمال منطقه‌ای آنها مانند عربستان و نیز سیاست‌های انفعالی دولت پاکستان و... باعث وقوع این خشونت‌ها شده است؛ از این رو، ماهیت کشتار شیعیان در پاکستان سیاسی است و در قالب اصطلاحاتی مانند «تروریسم فرقه‌ای»، «تروریسم سازمانی» و «تروریسم مذهبی» قابل تحلیل است. هدف نهایی ترسیم شده از کشتار شیعیان در پاکستان نیز ایجاد تقابل میان اهل سنت با محوریت عربستان از یک سو و شیعیان با محوریت جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر است تا در پرتو آن سیاست «هرج و مرج سازنده» آمریکا در منطقه عملیاتی شود.

واژگان کلیدی

پاکستان، کشتار سازمان یافته، تروریسم فرقه‌ای، تروریسم مذهبی، گروه‌های بنیادگرا

مقدمه

پاکستان یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه جنوب آسیا و همسایه شرقی جمهوری اسلامی ایران است. حدود ۸۰ درصد جمعیت این کشور را اهل سنت و ۲۰ درصد بقیه را شیعیان تشکیل می‌دهند. این کشور به‌رغم دارا بودن جمعیت نسبتاً زیاد (بیش از ۱۹۰ میلیون نفر) و داشتن سلاح هسته‌ای، یکی از آسیب‌پذیرترین کشورها به لحاظ امنیتی به شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین مشکلات و معضلات امنیتی پاکستان، تهدید «تروریسم فرقه‌ای» است که توسط گروه‌های تروریستی در این کشور نظیر «سپاه صحابه» و «لشکر جهنگوی» و سایر گروه‌های بنیادگرا صورت می‌گیرد (ماه پیشانیان، ۱۳۸۹: ۹).

تا قبل از دهه ۱۹۸۰، شیعیان فعالیت سازمانی و سیاسی چشم‌گیری در پاکستان نداشتند و روابط سنی-شیعه به طور گسترده مبتنی بر صلح و آرامش بود و خبری از خشونت فرقه‌ای بین آنها نبود؛ اما به تدریج به دلیل زمینه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی چنین توازنی به هم ریخت و روابط شیعه و سنی منازعه‌آمیز شد (واعظی، ۱۳۹۰: ۱۴۰). به طور دقیق‌تر، افراطیون مذهبی به پشتیبانی کشورهای خارجی از سال ۱۹۸۵ به این طرف، به صورت سازمان‌یافته و فعال مبارزه با شیعیان را آغاز کرده‌اند.

شیعیان در پاکستان برخلاف بسیاری از کشورهای اسلامی، بسیار پراکنده‌اند. بیشترین جمعیت شیعیان در پنجاب، که مهم‌ترین استان پاکستان به شمار می‌رود، زندگی می‌کنند. پس از آن سند، مناطق شمالی، مناطق قبایلی، کشمیر، سرحد و بلوچستان قرار دارند. این پراکندگی به نوعی پتانسیل حملات مذهبی و فرقه‌ای را افزایش می‌دهد و باعث فراهم شدن بسترهای لازم برای آنها شده است (عارفی، ۱۳۸۸: ۲۳). انفجار بمب در سال ۲۰۰۸ با ۴۵ شهید، انفجار بمب در شهر کراچی در سال ۲۰۰۹ با ۴۶ شهید، انفجار بمب در مراسم عزاداری امیرالمؤمنین(ع) در سال ۲۰۱۰ با ۴۹ شهید، انفجار بمب در شهر کوئته در مراسم روز قدس در سال ۲۰۱۰ با ۸۰ شهید، عملیات انتحاری در شهر پاچنار در سال ۲۰۱۲ با ۵۰ شهید و صدها عملیات دیگر از جمله اقدامات تروریستی علیه شیعیان در پاکستان است (اسلام تایمز، ۱۳۹۱).

با آغاز سال ۲۰۱۳ نیز حملات علیه شیعیان پاکستان به شدت افزایش یافت و در



هر کدام از عملیات‌های تروریستی علیه «هزاره‌های شیعه» صدها نفر کشته و زخمی شده‌اند. واقعیت این است که شیعیان پاکستان به هدفی آسان برای عملیات تروریستی به ویژه در منطقه بلوچستان تبدیل شده‌اند و مورد حمله قرار می‌گیرند.

اما سؤال اینجاست که ماهیت کشتار شیعیان در پاکستان که هر روز در حال افزایش است، چگونه است و با چه هدفی در این کشور به وقوع می‌پیوندد؟ علاوه بر این، بازیگران این خشونت‌های فرقه‌ای شامل چه کشورهایی هستند؟ در پاسخ به این سؤال‌ها می‌توان گفت کشتار شیعیان پاکستان پروژه‌ای «سازمان‌یافته»^۱ و «چند بُعدی»^۲ با ماهیت سیاسی است و در قالب اصطلاحاتی نظیر «تروریسم فرقه‌ای»، «تروریسم سازمانی» و تروریسم «مذهبی» قابل تحلیل است. حمایت‌های آمریکا و غرب در کنار اعمال منطقه‌ای آنها مانند عربستان و نیز سیاست‌های انفعالی دولت پاکستان و... باعث وقوع این کشتار هولناک شده است. در واقع، جبهه غربی-عربی و داخلی پاکستان درصدد تخریب هویت شیعه در پاکستان هستند تا این فرقه را از تأثیرگذاری بر سرنوشت کشور خود بازدارند. هدف نهایی ترسیم‌شده از کشتار شیعیان در پاکستان نیز ایجاد تقابل میان اهل سنت با محوریت عربستان از یک سو و شیعیان با محوریت جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر است تا در پرتو آن سیاست «هرج و مرج سازنده»^۳ آمریکا در منطقه عملیاتی شود. در این راستا، مقاله حاضر نیز با دخیل کردن هدف مذکور، مسئله اصلی خود را «تبیین ماهیت کشتار شیعیان در پاکستان» و بیان «علل و اهداف» آن قرار داده است.

۱. کشتار سازمان‌یافته و اشکال تروریسم (بررسی مفهومی)

موضوع کشتار شیعیان را می‌توان نوعی «کشتار سازمان‌یافته» یا «قتل‌های هدفمند»^۴ دانست. بر این اساس، کشتار سازمان‌یافته به نوعی از کشتار و قتل‌های برنامه‌ریزی‌شده گفته می‌شود که توسط دولت یا عناصر دولتی به طور عمدی و با نقشه از قبل طراحی‌شده صورت گیرد و این نیروها در خلال جنایت و کشتار، از نیروهای گشنده استفاده کنند یا اینکه عمل قتل و کشتار توسط گروهی سازمان‌یافته در عملیاتی

- 1 . Organized Murder
- 2 . Multidimensional
- 3 . Constructive Chaos
- 4 . Targeted Killing



مسلحانه انجام گیرد (آلسون، ۲۰۱۰). با این تعریف می‌توان کشتار سازمان یافته علیه فرقه‌های مذهبی را نوعی «تروریسم فرقه‌ای»^۱، «تروریسم مذهبی»^۲ و نیز «تروریسم سازمانی»^۳ دانست.

«تروریسم فرقه‌ای» گونه‌ای از اشکال تروریسم است که توسط گروه‌ها و فرقه‌های معاند با هدف ایجاد وحشت و کشتار در جامعه صورت می‌گیرد. شایان ذکر است تروریسم فرقه‌ای در برخی مواقع با حمایت و پشتیبانی دولت‌ها صورت می‌گیرد (Hoffman, 1996: 54). القاعده نمونه‌ای از تروریسم فرقه‌ای است که در برخی کشورهای اسلامی مثل عراق، پاکستان و سوریه دست به اقدامات تروریستی می‌زند. تروریسم فرقه‌ای گاه با نام «تروریسم قومی»^۴ نیز به کار می‌رود. بر این اساس، تروریسم قومی گونه‌ای از اشکال تروریسم است که توسط یک گروه قومی فرو ملی^۵ برای پیشبرد مقاصد تروریستی و وحشت در جامعه به کار گرفته می‌شود. چنین خشونت‌های معمولاً روی ایجاد دولتی جدید یا ارتقای جایگاه یک گروه قومی در برابر دیگران متمرکز است. برخلاف سایر تروریسم‌ها، تروریسم‌های قومی اغلب میان گروه‌های قومی مخاطبانی ذاتی دارند. علاوه بر این، تروریسم‌های قومی همیشه روی بخش خاصی از جمعیت تأکید می‌کنند، نه بر کل جمعیت (برای مثال روی جمعیت شیعه) (Fakir, 2007: 11).

«تروریسم مذهبی» نیز به هر عمل خشونت‌آمیز یا تهدید به خشونت توسط فرد یا یک گروه گفته می‌شود که با هدف کشتار یا مرعوب کردن افراد، شهروندان یا دولت‌ها برای پیشبرد اهداف مذهبی صورت می‌گیرد. تروریسم مذهبی بسیاری اوقات با خشونت‌های جاری مذهبی توصیف می‌شود (Perlmutter, 2004: 3-1). برای مثال، خشونت علیه جمعیت شیعه در پاکستان، بحرین و عربستان گونه‌ای از تروریسم مذهبی قلمداد می‌شود.

تروریسم مذهبی در عصر کنونی هم از نظر حوزه گسترده فعالیت و هم از نظر ویژگی‌های متمایز و مرگ‌آور آن بی‌سابقه است. در این نوع تروریسم، همه کسانی که دست به تروریسم مذهبی می‌زنند، معتقدند که اعمال آنها از طرف خداوند، مقدس شمرده می‌شود. صرف نظر از تفاوت‌هایی که افراط‌گراهای مذهبی از نظر ریشه، دکترین، سازمان و عملکرد با هم دارند، همه آنها بدین علت «خشونت مقدس»^۶ را به

1 . Sectarian Terrorism

2 . Religious Terrorism

3 . Organizational Terrorism

4 . Ethnic Terrorism

5 . Subnational

6 . Sacred Violence



کار می‌گیرند که یا از جامعه خود دفاع کنند یا عقاید «موعودباورانه»^۱ و «هزاره‌گر»^۲ دارند (Ranstorp, 1996).

تقریباً یک‌چهارم گروه‌های تروریستی که در سراسر جهان فعال‌اند از علایق مذهبی برانگیخته شده‌اند. در واقع، انگیزه آنها سیاسی است و مذهب صرفاً برای مشروعیت‌بخشی اخلاقی برای به کارگیری نیروها و اعضا به کار می‌رود؛ به عبارت دیگر، مردم برای دست زدن به اعمال خشونت‌آمیز به مشروعیت‌های اخلاقی نیاز دارند و مذهب، چنین نیازی را برآورده می‌کند. گسترش این مشروعیت‌ها باعث می‌شود گروه‌های افراطی تهدیدهای سیاسی را صبغه‌ای مذهبی ببخشند (Ashraf, 2004: 31-52). با این شرح از تروریسم مذهبی، می‌توان فعالیت مخرب گروه‌های شیعه‌ستیز در پاکستان نظیر لشکر جهنگوی، سپاه صحابه، لشکر طیبه و... را مصادیقی از تروریسم مذهبی دانست که جملگی با داشتن رهبران مذهبی و انگیزه‌های مقدس به اعمال خشونت‌های مذهبی علیه شیعیان دست می‌زنند.

اما از اشکال دیگر تروریسم که کشتار سازمان یافته شیعیان در چارچوب آن قابل تحلیل است، «تروریسم سازمانی» است. بر این اساس، تروریسم سازمانی به آن نوع از اشکال تروریسم گفته می‌شود که یک سازمان، اجتماعی، سیاسی یا نظامی، دولتی یا غیردولتی با انگیزه‌های مختلف، اقدام به حذف عناصر دولتی یا مخالف غیردولتی خود کند و اقدام آن در چارچوب اهداف سازمانی باشد (Ranstorp, 1996).

در این نوع تروریسم، گروه‌های سازمان یافته اجتماعی و سیاسی برای رسیدن به اهداف خود دست به حذف مخالفان خود می‌زنند یا کسانی را که معتقدند در رسیدن آنان به اهداف سیاسی‌شان ممانعت یا مخالفت ایجاد خواهند کرد، از میان بر می‌دارند. در تروریسم سازمانی، یک مجموعه سازمان یافته با فراهم کردن تجهیزات و امکانات، ارتباط‌گیری، امکان پوشش امنیتی و نقل و انتقال زمینه وقوع یک عملیات تروریستی را فراهم می‌سازد. نگاهی تاریخی به حملات تروریستی بر این واقعیت صحه می‌گذارد که بیشتر اعمال تروریستی در جهان به شکل برنامه‌ریزی شده و سازمان یافته تحت اقدامات پوششی صورت گرفته است (Ibid). بر این اساس، اعمال تروریستی گروه‌های افراط‌گرا علیه شیعیان پاکستان مصداق بارزی از تروریسم سازمان یافته در منطقه آسیای جنوب غربی است.

1 . Messianic
2 . Millenarian



۲. شیعیان و جایگاه آنان در ساختار سیاسی پاکستان

اگرچه شیعیان در اقلیت‌اند، اما در روند استقلال پاکستان نقشی اساسی ایفا کردند و پس از آن نیز توانسته‌اند به عنوان جریان عمده، موقعیت خود را در ساختار سیاسی کشور تداوم بخشند. گفته می‌شود قائد اعظم، محمد علی جناح (بنیان‌گذار پاکستان)، اسکندر میرزا، ذوالفقار علی بوتو و بی‌نظیر بوتو شیعه بودند. برخلاف بسیاری از کشورهای اسلامی که اقلیت شیعه در آنها تقریباً از مشارکت مناسب در قدرت محروم بوده‌اند و همیشه یا غالباً نوعی بدبینی مذهبی نسبت به آنها وجود داشته و از حضور آنها در پست‌های مهم دولتی جلوگیری شده، در پاکستان عرصه برای مشارکت سیاسی شیعیان فراهم بوده است. به نظر می‌رسد تنها در دوران حکومت ضیاءالحق (۱۹۷۷-۱۹۸۸) که تندروهای مذهبی در بعضی ارکان مهم دولت به ویژه سازمان اطلاعات ارتش (آی‌اس‌آی)^۱ نفوذ کرده بودند، محدودیت‌هایی برای غیردیوبندی‌ها مانند بریلوی‌ها و شیعیان تا حدی اعمال می‌شد. «علامه سید ساجد علی نقوی»، رهبر شیعیان پاکستان، با اشاره به پیشینه سیاسی شیعیان و ارزیابی آن با دوران ضیاءالحق و پس از آن چنین می‌گوید: «در حرکتی که برای تأسیس پاکستان صورت گرفت، بیشتر از سرمایه‌های شیعیان استفاده شد. آن روزها شیعیان در پست‌های مهم دولتی حضور داشتند و در سیاست کشور هم نقش ایفا می‌کردند. اکنون نیز در سیاست کشور نقش دارند، اما نه مثل گذشته. بسیاری از کسانی که در نهادهای دولتی کشور بیشتر نقش داشته‌اند اکنون آن نقش را از دست داده‌اند» (نقوی، ۱۳۸۴: ۲۰۸).

سید ساجد نقوی ضمن تشریح تأثیرات منفی سیاست‌های مذهبی دولت ضیاءالحق و نیز فرقه‌گرایی برخی گروه‌ها و افراد بر روند مشارکت آزادانه شهروندان، آن را در حدی نمی‌داند که سبب محرومیت جدی شیعیان در عرصه‌های سیاسی شده باشد. او می‌گوید: «البته در عرصه سیاست، اکنون هم شیعیان حضور دارند و در احزاب گوناگون هستند؛ مانند حزب مردم و حزب مسلم لیگ و ...» (نقوی، ۱۳۸۴: ۲۰۹).

اما مشارکت شیعیان پاکستان در حکومت و سیاست به دو روش صورت گرفته است: اول، مشارکت «غیرسازمان‌یافته» که از آغاز تشکیل پاکستان تا امروز، به طور سنتی ادامه پیدا کرده است. منظور از مشارکت غیرسازمان‌یافته این است که شیعیان فاقد حزب سیاسی مشخص‌اند و مشارکت آنان در سیاست از طریق عضویت در احزاب سیاسی دیگر مانند مسلم لیگ و حزب مردم یا به گونه‌ای آزاد انجام گرفته است. در

واقع، باز بودن فضای سیاسی و سکولار بودن سیاست دو عامل اصلی در عدم رویکرد شیعیان به تشکلهای دارای هویت مذهبی بوده است. شیعیان بی توجهی به سیاست مذهبی را شیوه موفق تری برای حضور خویش در قدرت می دانسته اند. دوم، «مشارکت سازمان یافته» که با تأسیس نهضت اجرای فقه جعفری در سال ۱۹۷۹ به نحوی آغاز شد و با حضور مستقل و آشکار این حزب در انتخابات ۱۹۸۸ رسماً جامه عمل پوشید. در مشارکت نوع دوم، شیعیان با ورود به عرصه سیاسی از طریق حزب سیاسی ویژه و با هویت مذهبی شیعی خود، درصدد حفظ یا احیای هویت مذهبی خویش بودند؛ آن هم در شرایطی که از ناحیه دولت نظامی ضیاءالحق، که سیاست مذهبی را پیش گرفته بود، احساس «هویت زدایی»^۱ می کردند (محمودی، ۱۳۹۱: ۲۹).

با این توضیحات، در خصوص جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی پاکستان می توان گفت از آنجا که این کشور دارای یک نظام سیاسی تحت حاکمیت اکثر اسلام سنی است، بی گمان در چنین نظامی دسترسی شیعه به امتیازهای سیاسی و اجتماعی اگر نگوئیم به کلی غیرممکن خواهد بود، قطعاً دشوار است. در چنین وضعیتی، شیعیان در پاکستان درصدد استقرار نظام دموکراتیکی هستند که در آن تعلقات مذهبی و هویتی شان مورد تبعیض قرار نگیرد. به طور کلی، علت ناموفق بودن شیعیان در ساختار سیاسی پاکستان به موارد زیر برمی گردد:

- اعتقاد بسیاری از ذاکرین و علمای شیعه به جدایی دین از سیاست؛
- محدود بودن خواسته های شیعیان به صورت صنفی و محلی؛
- فقر فرهنگی و مالی شیعیان؛
- وجود اختلاف میان علما در مسائل مهم و اساسی ملت جعفریه؛
- وجود تشکیلات دشمنان شیعه در پاکستان (فلاح زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

۳. شیعه ستیزی و گروه های شیعه ستیز در پاکستان

الف) شیعه ستیزی در پاکستان

موضوع شیعه ستیزی، حاشیه نشینی و حتی قربانی شدن اقلیت شیعه را باید پدیده ای نو در پاکستان به شمار آورد که از دیدگاه بسیاری از کارشناسان، اوایل دهه ۱۹۸۰ نقطه آغاز آن بوده است (Abbas, 2012).

اگرچه پاکستان برمبنای هویت دینی مسلمانان پا به عرصه وجود نهاد، اما در ابتدا

دامنش از هرگونه فرقه‌گرایی مذهبی و خشونت فرقه‌ای علیه شیعیان پاک بود. بنابراین اولین نخست‌وزیر آن هندومذهب و وزیر امور خارجه‌اش پیرو فرقه احمدیه بود. با وجود این، در گذر زمان پاکستان گرفتار گرداب سهمگین بنیادگرایی مذهبی و خشونت فرقه‌ای علیه شیعیان شد. به نظر برخی کارشناسان، امروزه در پاکستان نوعی فرقه‌گرایی سازمانی، سیاسی و شبه‌نظامی شکل گرفته که هدف اساسی آن دسترسی به منافع یک گروه فرقه‌ای و سرکوب گروه‌های رقیب از طریق بسیج هویت فرقه‌ای، اعمال زور و خشونت یا حتی مشارکت در انتخابات ایالتی و ملی است. در هر صورت شکاف شیعه - سنی به تدریج در پاکستان فعال و به معضل امنیتی حاد تبدیل شد (Haqqani, 2010: 75). هرچند شیعه‌ستیزی و کشتار شیعیان در پاکستان از اواسط ۱۹۸۰ شروع شده، اما در طول سال‌های اخیر شدت بیشتری یافته به طوری که امنیت ملی این کشور را در معرض تهدید قرار داده است. بر این اساس، گروه‌های تروریستی در پاکستان در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳، تعداد ۳۶۰۵ شیعه را مجروح و ۱۹۶۲ شیعه دیگر را کشته اند. برای نمونه، در سال ۲۰۰۸ در مناطق کراچی، پاراچنار، دیرا اسماعیل، اسلام‌آباد، پنجاب و سایر نقاط پاکستان بالغ بر ۳۷۱ نفر از شیعیان زخمی و ۱۵۰ نفر دیگر کشته شدند. در سال ۲۰۰۹ نیز در مجموع ۱۷ برخورد تروریستی در پاکستان رخ داد که در نتیجه آن ۱۸۳ نفر کشته و ۴۵۵ نفر زخمی شدند. در خلال سال ۲۰۱۰ تعداد ۳۴ برخورد تروریستی علیه شیعیان به وقوع پیوست که حاصل آن زخمی شدن ۶۹۳ نفر و کشته شدن ۲۴۵ نفر از شیعیان بود. تعداد حادثه تروریستی در پاکستان در طول سال ۲۰۱۱ در مجموع ۲۴ حادثه بوده که طی آن ۱۳۶ نفر از شیعیان کشته و ۱۹۹ نفر از آنان زخمی شدند.

بیشترین حوادث و برخوردهای تروریستی علیه شیعیان در پاکستان در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳، در طول سال ۲۰۱۲ رخ داده که تعداد آن به ۱۱۵ حادثه می‌رسد. شایان ذکر است برآثر این تعداد حادثه تروریستی، ۳۹۹ نفر از شیعیان کشته و ۴۹۹ نفر دیگر زخمی شدند. در نهایت در سال ۲۰۱۳ تا ۳۰ ژوئن، ۳۵ برخورد تروریستی در پاکستان صورت گرفت که طی آن ۲۹۶ نفر از شیعیان پاکستانی کشته و ۱۹۶۲ نفر نیز زخمی شدند (South Asia Terrorism Portal, 2013).

بر این اساس، مجموع خشونت‌های صورت‌گرفته علیه شیعیان در پاکستان در طول ۱۳ سال اخیر (در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳)، ۳۱۱ خشونت تروریستی بوده که موجب مجروح شدن ۳۶۰۵ نفر و کشته شدن ۱۹۶۲ نفر شده است. براساس این



توضیحات، جدول آمار خشونت‌های فرقه‌ای علیه شیعیان پاکستان در ۱۳ سال اخیر آورده شده است:

خشونت‌های فرقه‌ای علیه شیعیان پاکستان از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳

سال	برخوردهای تروریستی	کشته‌شدگان	مجروح
۲۰۰۱	۰	۰	۰
۲۰۰۲	۴	۶	۰
۲۰۰۳	۴	۲۴	۱۷
۲۰۰۴	۸	۱۲۹	۴۶۶+
۲۰۰۵	۱۰	۸۶	۲۲۳
۲۰۰۶	۹	۶۰	۶۱
۲۰۰۷	۲۸	۲۵۸+	۱۹۵+
۲۰۰۸	۲۳	۱۵۰	۳۷۱+
۲۰۰۹	17	۱۸۳	۴۵۵
۲۰۱۰	۳۴	۲۴۵	۶۹۳
۲۰۱۱	۲۴	۱۳۶	۱۹۹
۲۰۱۲	۱۱۵	۳۹۹	۴۳۹
۲۰۱۳	۳۵	۲۹۶	۴۸۶
جمع کل	۳۱۱	۱۹۶۲	۳۶۰۵

Source: SATP, (South Asia Terrorism Portal, 2013)

ب) گروه‌های شیعه‌ستیز در پاکستان

به طور کلی، کشتار شیعیان در پاکستان به دست گروه‌های تندروی سنی‌مذهب صورت می‌گیرد. برخی از این گروه‌های افراطی عبارت‌اند از:

– سپاه صحابه

تکوین سپاه صحابه، واکنشی به تشکیل «تحریک فقه جعفری»^۱ بوده است. بعد از تأسیس تحریک فقه جعفری به عنوان سازمان مدافع حقوق شیعیان پاکستانی، دو کنفرانس توسط جماعت اسلامی پاکستان و جمعیت علمای اسلام برای مبارزه با جنبشی که شیعیان ایجاد کرده بودند، ترتیب داده شد (Abou Zahab, 2002). در همین راستا سرویس اطلاعاتی پاکستان (آی‌اس‌آی)^۲ با حمایت آمریکا، عربستان و

1 . Tehrik-e-Jafria-e-Pakistan (TJP)

2 . Inter-Services Intelligence (ISI)

عراق در زمان حکومت صدام گروهی از مسلمانان مهاجر دیوبندی را به مبارزه علیه فعالیت‌های تحریک فقه جعفری تشویق کرد. بدین ترتیب، «انجمن سپاه صحابه پاکستان»^۱ که بعدها به سپاه صحابه پاکستان تغییر نام داد- به رهبری «مولانا حق‌نواز جهنگوی» به منظور پیشبرد منافع مسلمانان اهل تسنن در سال ۱۹۸۵ به وجود آمد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۲۴۸). این گروه یکی از اهداف مهم خود را مبارزه با عزاداری امام حسین(ع) و در واقع تخطئه قیام آن حضرت می‌دانست. از اهداف دیگر این گروه، مبارزه با گروهی شیعی به نام تحریک جعفری یا ائتلاف جعفری بوده است که در پاکستان در سال ۱۹۷۹ تأسیس شد (Raman, 2003: 2).

یکی از علل اصلی تشکیل سپاه صحابه مبارزه با خطرهای احتمالی شیعیان و ترس از رشد قدرت نظامی، سیاسی و مذهبی آنان در منطقه بوده است. گروه سپاه صحابه علاوه بر حملات خود ضد شیعیان، ایرانیان مقیم پاکستان را هدف تهاجم خود قرار داد؛ به این بهانه که آنان از ناحیه حکومت شیعی در ایران حمایت می‌شوند و باید از میان برداشته شوند. گروه سپاه صحابه می‌خواهد پاکستان به طور رسمی سرزمینی سنی‌نشین معرفی شود. قلعه‌های نظامی و سنگرهای این گروه بیشتر در نواحی جنوبی پاکستان در منطقه مرکزی و پرجمعیت پنجاب و مرزهای کراچی واقع شده است و تعداد دفاتر و مراکز فعالیت این گروه به ۵۰۰ مرکز بالغ می‌شود. در هر بخش از استان پنجاب شاخه‌ای از این گروه وجود دارد و حدود صد هزار نفر در عضویت این گروه ثبت نام کرده‌اند. آنان در کشورهای خارجی مانند امارات متحده عربی، عربستان سعودی، بنگلادش، کانادا و... نیز مراکزی برای فعالیت خود دایر کرده‌اند (Abou Zahab, 2002).

- لشکر جهنگوی

از مهم‌ترین گروه‌های تروریستی در پاکستان لشکر جهنگوی است که امروزه به عنوان «اسب تروای جدید القاعده»^۲ برای انجام عملیات‌های تروریستی معرفی شده است. در حقیقت این گروه تروریستی، یکی از گروه‌های افراطی مذهبی پاکستانی است که توسط سپاه صحابه با هدف مبارزه با نهضت جعفری تأسیس شد. لشکر جهنگوی چندین سال به عنوان شاخه نظامی سپاه صحابه فعالیت می‌کرد (Raman, 2003). اعضای آن عمدتاً مسلح بوده و فعالیت‌های آن بیشتر از نوع تروریستی و دامن زدن

1. Anjuman-e- Sipah-e-Sahaba Pakistan (ASSP)
2. New Trojan Horse of AL- Qaeda



به مسائل فرقه‌ای است. لشکر جهنگوی به عنوان سازمانی با ایدئولوژی وهابی، دارای احساسات ضد آمریکایی، ضد هندی، ضد اسرائیلی، ضد ایرانی و ضد شیعه است و همواره متهم به مسئول قتل شیعیان در پاکستان و هزاره افغانستان بوده است. بنا به گفته رحمان ملک، وزیر کشور پاکستان، ۸۰ درصد اقدامات تروریستی و عملیات‌های فرقه‌ای در مناطق مختلف پاکستان توسط عناصر افراط‌گرا و تندروی گروه لشکر جهنگوی انجام می‌شود (نجفی سیار، ۱۳۹۲: ۲۷).

طبق گزارش‌ها، همواره پیوند مستحکمی میان لشکر جهنگوی و طالبان افغانستان وجود داشته است و این سازمان تروریستی پاکستانی از پناهگاه‌های طالبان در افغانستان برای آموزش اعضای خود استفاده می‌کند. در همین راستا مقامات اسلام‌آباد معتقدند نوع روابط لشکر جهنگوی با طالبان به گونه‌ای است که اعضای دو گروه کنار یکدیگر می‌خورند، آموزش می‌بینند و مبارزه می‌کنند. در ضمن این گروه تروریستی پاکستانی عضو «جبهه بین‌المللی اسلامی»^۱ اسامه بن لادن است (Raman, 2003: 3). از آنجا که القاعده نمی‌تواند به دلایل امنیتی و هم‌چنین آشکار شدن هویت اعضایش مستقیماً در بعضی مناطق اقدام به عملیات کند، از لشکر جهنگوی بدین منظور استفاده می‌کند.

- لشکر طیبه

لشکر طیبه یک سازمان بنیادگرای اسلامی فرقه اهل حدیث در پاکستان است که توسط هواداران اسامه بن لادن به رهبری حفیظ محمد سعید برای آموزش داوطلبان مبارزه در کشمیر تأسیس شد. لشکر طیبه از ناحیه آی‌اس‌آی (سرویس اطلاعات پاکستان) به ویژه پس از سال ۱۹۹۶ حمایت شده است. این حمایت از سال ۱۹۹۷ که آمریکا «حرکت الانصار»^۲ را جزو گروه‌های تروریستی قرار داد، افزایش یافته است. لشکر طیبه به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های تروریستی پاکستان درصدد تقویت گروه‌های بنیادگرای مذهبی است تا از آنها به عنوان مخالفان سرسخت ظهور جنبش‌های دموکراتیک و غیرنظامی استفاده کند. ناظران معتقدند که این ائتلاف بنیادگراها و عناصر تروریست در پاکستان و رابطه آنها با طالبان و القاعده نه تنها ثبات پاکستان بلکه ثبات منطقه را تهدید می‌کند و موجب صدور تروریست‌ها به سراسر

1. International Islamic Front
2. Harkat ul-Ansar (HUA)

جهان می‌شود. ایدئولوژی لشکر طیبه به چالش کشیدن حاکمیت هند بر جامو و کشمیر است (ملازهی، ۱۳۸۶: ۷۸).

- جیش محمد

جیش محمد در مقایسه با سایر گروه‌های تروریستی فعال در جامو و کشمیر یک گروه تندرو نسبتاً جدید است که ارتباط تنگاتنگی با لشکر طیبه دارد و به عنوان بخشی از شبکه تروریست‌های اسلامی افراطی، حضور فعالی در خشونت‌های تروریستی در جامو و کشمیر دارد (Moonis, 2010). جیش محمد در ۳۱ ژانویه ۲۰۰۰ توسط «مولانا مسعود اظهر» در کراچی به وجود آمد. در خصوص احساسات ضد هندی و ضد آمریکایی مسعود اظهر می‌توان به سخنرانی او پس از آزادی از زندان اشاره کرد که در حضور طرفداران خود در پاکستان اعلام کرد: «من در راستای انجام وظیفه به اینجا آمده‌ام که بگویم تا زمانی که هند و آمریکا را نابود نکرده‌ایم، مسلمانان نباید در وضعیت صلح و آرامش بمانند» (Moonis, 2010). طبق برخی گزارش‌ها، جیش محمد با طالبان و القاعده و بن لادن ارتباط نزدیکی داشته و در مکان‌های مختلف با سران رهبران آنها ملاقات کرده است. همچنین این گروه روابط نزدیکی با گروه‌های تروریستی سنی در پاکستان مانند لشکر جهنگوی و سپاه صحابه پاکستان دارد.

- تحریک نفاذ شریعت محمدی

تحریک نفاذ شریعت محمدی یا نهضت اجرای شریعت محمدی توسط «مولانا صوفی محمد»، پیرو مکتب وهابی و از اعضای فعال جماعت اسلامی، در سال ۱۹۹۲ تأسیس شد (کتاب آسیا، ۱۳۸۹: ۲۴۳). هدف این گروه اجرای شریعت - البته طبق برداشت خود آنها - در پاکستان است. طبق جهان‌بینی این گروه افراطی، پاکستان نیز باید به شیوه حکومت طالبان اداره شود. مولانا صوفی محمد پس از حمله نیروهای آمریکا به افغانستان، همراه هزاران نفر از هوادارانش برای کمک به طالبان به سمت این کشور حرکت کرد. تعداد زیادی از مبارزان او به دست جبهه ائتلاف شمال افغانستان دستگیر یا کشته شدند و فقط تعداد کمی از آنها از جمله صوفی محمد به پاکستان بازگشتند. صوفی محمد نیز در پی بازگشت به پاکستان توسط مقامات این کشور دستگیر و روانه زندان شد. بعد از دستگیری مولانا صوفی محمد، دامادش مولانا فضل‌الله معروف به



«ملا رادیو»^۱ هدایت تحریک نفاذ شریعت محمدی را بر عهده گرفت. مولانا فضل الله از طریق ایستگاه رادیویی خود اجرای خشن دستورهای شریعت، تعطیلی مدارس دخترانه و بسیج نیروها برای کمک به طالبان در افغانستان را ضروری اعلام کرد (Roggio, 2007).

– تحریک طالبان پاکستان

در سال‌های اخیر نگرانی محافل سیاسی با ظهور نیروهای شبه‌نظامی افراطی با عنوان تحریک طالبان پاکستان به رهبری «بیت الله محسود» در مناطق قبیله‌ای خودمختار پاکستان شدت یافته است. این گروه افراطی همواره متهم به اجرای انواع حملات تروریستی است. از جمله اقدامات طالبان پاکستان در منطقه وزیرستان اعلام ممنوعیت فروش سی‌دی موسیقی و فیلم، اخذ مالیات از کالاهایی که از منطقه مذکور عبور می‌کردند و تأسیس دادگاه اسلامی به سبک طالبان است. هم‌چنین بیش از صد نفر از حامیان دولت پاکستان و موافقان اشغال افغانستان در منطقه تحت کنترل محسود که از آن به عنوان «طالبانستان»^۲ نام برده می‌شود، گردن زده شدند. پیروان او سعی در ایجاد ارباب میان مردم منطقه دارند. محسود مأموریت خود را ادامه جهاد در افغانستان و پاکستان و انتقام از حملات آمریکا اعلام کرد. تحلیلگران سی‌آی‌ای و سایر آژانس‌های اطلاعاتی معتقدند محسود و القاعده ارتباطات نزدیکی با یکدیگر دارند (Moonis, 2010).

۴. مبانی فکری گروه‌های شیعه‌ستیز در پاکستان

همان‌طور که گفته شد، اکثر گروه‌های شیعه‌ستیز در پاکستان از میان بنیادگرایان اهل سنت هستند. منظور از بنیادگرایان کسانی هستند که به معنای تحت‌اللفظی و کلمه به کلمه محتوای کتاب مقدس اعتقاد دارند و خود را مقید به تفسیر آن نمی‌دانند. امروزه بنیادگرایی اسلامی معتقد به رعایت دقیق شرع مقدس اسلام است (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۱۳۸). بر مبنای این تعریف، مقصود ما از گروه‌های بنیادگرا آن‌گونه که غرب مدعی است، شامل همه احزاب اسلامی نیست، بلکه احزابی را شامل می‌شود که گرایش‌های خاص دینی توأم با تعصبات فرقه‌ای دارند که از یک سو با تجدد هم‌خوانی

1 . Mullah Radio

2 . Talibanistan

نشان نمی‌دهند و از سوی دیگر، با قرائت‌های اسلامی دیگر روشی خشونت‌آمیز پیش گرفته‌اند. بر این اساس گروه‌هایی نظیر سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، لشکر طیبه، جیش محمد و... در پاکستان دارای خاستگاه بنیادگرایی بوده و اصول و مبانی فکری مشخصی نیز دارند. به طور کلی، برخی مبانی و اصول فکری گروه‌های شیعه‌ستیز در پاکستان عبارت‌اند از:

الف) تفسیر سخت‌گیرانه از مفاهیم دینی

یکی از پیچیدگی‌های اساسی در بینش بنیادگرایی افراطی، روح تعبدگرایی و قداست‌بخشی به دستاوردهای کلامی و فقهی پیشینیان است. بنیادگرایی افراطی، دوران صدر اسلام و میانه را دوره طلایی تمدن اسلامی و مصون از هرگونه خطا تلقی می‌کند و درباره تفاسیر و تأویل‌های دینی این دوره، اعتقادی جزم‌گرایانه دارد. گروه‌های افراطی و بنیادگرا، برخلاف گروه‌های شیعه، به اجتهاد و استنباط اعتقادی ندارند. از دیدگاه آنها، مردم عموماً موظف به پیروی از کلمات و گفتار علمای سلف خود هستند. برداشت سخت‌گیرانه آنها از دین، سبب بدبینی و حتی دشمنی آنها با الگوهای رایج زندگی میان گروه‌های شیعه شده است.

ب) خود حق‌پنداری ستیزه‌گرانه

بنیادگرایی افراطی به خصوص از نوع وهابی با توسل به حربه «تکفیر» به مبارزه با تمام مذاهب و فرقه‌های اسلامی غیر از خود از جمله شیعیان پرداخته و جز خویشتن، سایر گروه‌ها را یکسره باطل و حتی کافر می‌پندارد. مکتب دیوبندی در پاکستان، جناح فکری رقیب خود، «بریلوی» را که در تقسیم‌بندی به لحاظ گرایش کلامی و فقهی با دیوبندی‌ها تفاوت دارد و حلقه‌ای دیگر از اهل سنت حنفی‌مسلک است، کافر قلمداد می‌کند و مخالفت با آن را وظیفه شرعی خود می‌داند؛ چنان‌که سپاه صحابه در ابتدای ظهور خود، مبارزه با بریلوی‌ها و شیعیان را کنار هم وظیفه اصلی خود قرار داده بود. بر این اساس، وجود «پندار خود حق‌مدار» همراه روش‌های ستیزه‌جویانه علیه افکار و جناح دیگر به خصوص شیعیان، تصویری تمام‌نما، خشن و انعطاف‌ناپذیر گروه‌های افراطی شیعه‌ستیز در پاکستان است (خبیری و دربندی، ۱۳۸۹: ۱۰۰).



ج) احیای مدل خلافت

یکی دیگر از اصول فکری گروه‌های بنیادگرای پاکستان نظیر طالبان، احیای اصل خلافت در نظام سیاسی اسلام است. «شاه ولی الله دهلوی»، سر سلسله نهضت بیداری اسلامی در شبه‌قاره هند که مکتب بنیادگرایی دیوبندی متأثر از افکار اوست، احیای خلافت اسلامی را رکن اساسی در اسلامی شدن جامعه دانسته است. دهلوی یکی از ویژگی‌های خلیفه را «شرافت نسبی و قومی» دانسته که این امر با تفکرات امروزی طالبان که خود را منتسب به یک گروه قومی برتر (پشتون) می‌دانند، کاملاً سازگاری دارد. طالبان با توسل به این ویژگی خلیفه، نه تنها حق خلافت را در انحصار قوم پشتون می‌داند، بلکه از میان پشتون‌ها نیز قوم «درانی» را قوم برگزیده قلمداد می‌کند (عارفی، ۱۳۸۸: ۲۰۲-۱۹۷). بر این اساس، طالبان و سایر گروه‌های افراطی در پاکستان، با احیای اندیشه خلافت بر اساس مبانی قوم‌محورانه به مبارزه با شیعیان در این کشور می‌پردازند.

د) خشونت و انعطاف‌ناپذیری

خشونت و انعطاف‌ناپذیری دو ویژگی دیگر در شیوه سیاستمداری گروه‌های بنیادگرایی شیعه‌ستیز در پاکستان به خصوص طالبان است که محصول فرهنگ سنتی و قومی پشتون‌هاست. معمولاً فرهنگ قبیله‌ای توأم با خشونت و انعطاف‌ناپذیری است. «کین‌خواهی و انتقام» از اصول مهم عرف «پشتون والی» است. رفتار خشونت‌آمیز طالبان با مخالفان به ویژه با مردمان هزاره ریشه در کین‌خواهی قومی آنها دارد. بنابراین، عملکرد طالبان به عنوان یک گروه سیاسی-مذهبی با نام دین و مذهب نمی‌تواند صرفاً مذهبی باشد، بلکه با پیش‌فرض‌های فرهنگ سنتی و قومی-قبایلی شکل گرفته و تفسیر شده است (خبیری و دربندی، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

۵. عوامل شیعه‌ستیزی در پاکستان

فرقه‌گرایی و خشونت فرقه‌ای علیه شیعیان در پاکستان علل گوناگون داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. به قدرت رسیدن ضیاءالحق، قدرت‌گیری ارتش، تضعیف نیروهای مدنی و هوادار دموکراسی، اشغال افغانستان به دست اتحاد جماهیر شوروی، رقابت بین ایران و عربستان سعودی، تداوم کشمکش میان هند و پاکستان بر سر مسئله کشمیر و در حال حاضر بی‌ثباتی در افغانستان و حضور نیروهای بیگانه در آن از جمله



تحولاتی است که هر یک به نحوی به شکل‌گیری و تشدید منازعات فرقه‌ای و خشونت عیله شیعیان کمک کرده است. این عوامل باعث شده است که در حال حاضر انواع مختلف گروه‌های افراطی و خشونت‌طلب تروریست در خاک این کشور حضور داشته باشند و بدون محدودیت به فعالیت تروریستی و کشتار شیعیان بپردازند. با این مقدمه، در ادامه به تشریح عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی کشتار شیعیان در پاکستان می‌پردازیم:

الف) عوامل داخلی

تا قبل از به قدرت رسیدن ژنرال ضیاءالحق روابط جامعه سنی- شیعه در پاکستان به طور گسترده‌ای آرام، صلح‌آمیز و عاری از هرگونه خشونت سازمان‌یافته بود. اگرچه هر از گاهی درگیری‌های فرقه‌ای در مناطقی از کشور حادثه‌آفرین می‌شد، در مجموع از خشونت‌های گسترده و سازمان‌یافته فرقه‌ای خبری نبود (Abou Zahab, 2009: 1). با قدرت‌گیری ضیاءالحق و اجرای برنامه «اصلاحات اسلامی» چنین آرامش و توازن فرقه‌ای به هم ریخت و بدین ترتیب زمینه آغاز و تشدید کشمکش‌های مذهبی فراهم شد.

ژنرال ضیاءالحق در سال ۱۹۷۷ علیه ذوالفقار علی بوتو کودتا کرد. وی به دلیل فقدان مشروعیت و پایگاه اجتماعی در مقایسه با ارتش، با کسب تأیید رأی‌دهندگان در یک همه‌پرسی در سال ۱۹۸۴، برقراری قانون شریعت را اعلام و شروع به اجرای برنامه «اسلامی‌سازی» در جامعه پاکستان کرد تا از این طریق مشروعیتی برای خویش به دست آورد حتی اگر به قیمت ایجاد خشونت‌های فرقه‌ای در پاکستان تمام شود. برای مثال، ضیاءالحق برای تضعیف حزب مردم پاکستان - که اعضای عمده آن شیعه‌مذهب بودند - به گسترش پدیده فرقه‌گرایی به خصوص در پنجاب و تأسیس جنبش آزادی در سند و راه‌اندازی «جنبش متحده قومی»^۱ با تمایلات سکولار در کراچی اقدام کرد (نقوی، ۱۳۸۴).

در دوران ضیاءالحق برای اولین بار در تاریخ پاکستان، حکومت به حمایت مالی از توسعه آموزش‌های مذهبی دست زد و پرداخت زکات در طول دوران حکومت او برای تأمین هزینه مدارس مذهبی اجباری شد. دولت تصمیم گرفت پول زکات را به تأسیس مدارس اهل حدیث و ضد شیعه تخصیص دهد و در اراضی تحت مالکیت خود شروع

1. Muttahida Quami Movement

به تأسیس مدارس کند (Abou Zahab, 2002: 4). هم‌زمان با اقدامات ضیاءالحق، مقاومت شیعیان پاکستان نیز آغاز شد؛ زیرا از نظر آنها، پروسه اسلامی سازی ضیاءالحق در حقیقت پروسه سنی سازی پاکستان آن هم برای کسب مشروعیت داخلی بود. «پل کولیر» به عنوان یک صاحب نظر در این حوزه اظهار می دارد که پاکستانی های مقیم کشورهای منطقه نیز با اهدای کمک های مالی یا لفاظی های افراطی موجب تداوم مناقشات فرقه ای می شوند (استرن، ۱۳۷۹: ۱۸).

مهم ترین اقدام دولت پاکستان که باعث گسترش خشونت های فرقه ای علیه شیعیان شد، تشکیل مدارس مذهبی بوده است. از کل مدارس مذهبی در پاکستان، ۲۳۳۳ مدرسه متعلق به سازمان های دیوبندی، ۱۶۲۵ مدرسه زیر نظر سازمان های بریلوی، ۲۲۴ مدرسه زیر نظر سازمان های اهل حدیث و ۱۶۳ مدرسه زیر نظر سازمان های شیعه فعالیت می کنند. گروه های تروریستی فرقه گرای سنی سپاه صحابه و لشکر جهنگوی نیز ۶۷ مدرسه را به خود اختصاص داده اند (شفیعی، ۱۳۸۴: ۶۱). اغلب این مدارس اهل حدیث با حمایت عربستان در دهه ۱۹۸۰ برای مقابله با نفوذ ایران بر شیعیان پاکستان ایجاد شدند. مدارس مذهبی در طول جنگ افغانستان محیط مناسبی برای استخدام داوطلبان جهاد بودند و بعد از پایان جنگ نیز از اوایل دهه ۱۹۹۰ به محیط مناسبی برای اشاعه فرقه گرایی مذهبی در پاکستان تبدیل شده اند. مدارس دیوبندی ضد مسلمانان شیعه فتوا صادر می کنند و دانش آموزان یاد می گیرند که شیعیان را کافر بنامند (Misra, 2003: 93). وجود همین مدارس به جمعیت علمای اسلام فرصت داد تا در راه اندازی جنبش طالبان در سال ۱۹۹۴ نقش فعالی ایفا کنند. احمد رشید می گوید: «تعداد بی شماری از رهبران سپاه صحابه پاکستان، لشکر جهنگوی، رهبران طالبان، جیش محمد و لشکر طیبه و سایر گروه های تروریستی این کشور از مدارس مذهبی فارغ التحصیل شدند» (عارفی، ۱۳۸۰: ۲۶۹-۲۷۰).

هرچند بعد از دوران ضیاءالحق از شدت فرقه گرایی مذهبی در پاکستان کاسته شد، اما به دلیل حاکمیت اهل سنت بر دستگاه های دولتی این کشور و ترویج مدارس مذهبی، سیاست های شیعه ستیزی در پاکستان تاکنون ادامه یافته و امروزه امنیت انسانی این کشور را در معرض تهدید قرار داده است. بنابراین ترویج مدارس مذهبی و بنیادگرایی از عوامل داخلی شیعه ستیزی در پاکستان هستند.

ب) عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی

جدا از نقش دولت پاکستان در ترویج و گسترش مدارس مذهبی، به عنوان عامل داخلی خشونت‌های فرقه‌ای در پاکستان، بی‌تردید بازیگرانی در سطح منطقه و بین‌الملل هستند که به این خشونت‌ها دامن می‌زنند یا از آن حمایت می‌کنند. مهم‌ترین این کشورها عربستان سعودی و ایالات متحده هستند که به ترتیب به ترویج وهابیت و گسترش تروریسم داخلی در پاکستان دامن زده‌اند.

- نقش عربستان در ترویج وهابیت

پس از استقلال پاکستان چند عامل مهم در ترویج اندیشه وهابی در این کشور مؤثر افتاد که مهم‌ترین آنها رابطه عربستان سعودی و پاکستان بود. اگرچه از سال ۱۹۴۷ به بعد، روابطی هرچند محدود بین عربستان و پاکستان وجود داشت، اما در دوره حکومت ذوالفقار علی بوتو، روابط ریاض-اسلام‌آباد وارد مرحله‌ای نو شد. در دوره حکومت ژنرال ضیاءالحق روابط دو کشور به اوج خود رسید. ژنرال ضیاء که به مکتب دیوبندیسیم تعلق داشت، در راه ترویج وهابیت در پاکستان نیز بسیار کوشید. در همین راستا حکومت عربستان هزینه ایجاد هزاران مدرسه دینی در کشورهای مختلف اسلامی یا غیراسلامی در سراسر جهان از جمله پاکستان را پذیرفت تا در رقابت با مذاهب دیگر، تفسیر ویژه خود را از اسلام گسترش دهد (محمودی، ۱۳۹۱: ۴۱). بنابراین وجود هزاران مدرسه مذهبی در پاکستان که به آیین وهابیت پای‌بند هستند وسیله‌ای برای تحقق اهداف سعودی‌هاست. به طور کلی می‌توان گفت با توجه به شالوده فکری وهابیت و اعتقاد این نحله به مشرک بودن پیروان سایر مذاهب اسلامی و اقداماتی که در سراسر جهان به خصوص در پاکستان برای تبلیغ هر چه بیشتر وهابیسیم از طریق مراکز فرهنگی - رسانه‌ای، مدارس و کتب درسی، مساجد، حمایت‌های مالی از گروه‌های تروریستی و خشونت‌طلب و... صورت می‌گیرد، شاهد نتیجه‌ای جز افروختن آتش فتنه و جنگ میان شیعه و سنی و تزايد خشونت و کشتار فرقه‌ای در این کشور نخواهیم بود. بر این اساس، برخی از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی عربستان سعودی در پاکستان که به ترویج وهابیت و به تبع آن خشونت علیه شیعیان در پاکستان کمک کرده، به شرح زیر است:

تأمین هزینه مدارس مذهبی: عربستان سعودی برای پیشبرد مقاصد سیاسی خود و نشر عقیده وهابیت از بسیاری از مدارس مذهبی پاکستان پشتیبانی مالی و حتی تمام



هزینه‌های این مدارس را تأمین می‌کند. بعضی از این مدارس عبارت‌اند از: فاروقیه، امجدیه و اشرفیه در کراچی، مدارس جامعه رحیمیه، مرکز مکتب الدعوه و جامعه صوفیه فیصل آباد در ایالت پنجاب، مدارس مطلع العلوم و مظهر العلوم در کوئته، مرکز ایالت بلوچستان، و دارالعلوم حقانیه در ایالت سرحد (کتاب آسیا، ۱۳۸۹: ۲۰۰).

احداث مراکز تبلیغی: عربستان سعودی مراکز تبلیغی متعددی در پاکستان با هدف تبلیغ اندیشه وهابیت و مبارزه ایدئولوژیک با شیعیان ایجاد کرده است. مهم‌ترین این مراکز در شهرهای لاهور و کراچی به شرح زیر است:

- لاهور: دارالتبلیغ اهل سنت، اداره الاشاره العلوم، اداره ندائر العرفات، دائره اصلاح، دارالدعوه سلفیه، مرکز مکتب تنظیم اسلامی، جمعیت محبین صحابه، مجلس مرکزی رضا، اداره کریمیه تعلیم القرآن، دارالکتاب، سنی دارالاشاعه.

- کراچی: مکتب جلاءالحق، مکتب معاویه، آکادمی عثمانیه، انجمن اسوه حسنه، مجلس نشریات اسلامی، اداره المعارف، مکتب جاءالحق، آکادمی ابوسفیان، آکادمی حاجی عارفین، بیت التوحید (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۰۳).

فعالیت‌های انتشاراتی و مطبوعاتی: عربستان سعودی برای تبلیغ اندیشه وهابیت نیاز شدیدی به فعالیت‌های مطبوعاتی داشته و دارد و یکی از حربه‌های دولت سعودی برای ترویج وهابی‌گری، تدوین و انتشار کتب، مجلات و روزنامه است. از این رو با سرمایه سعودی‌ها کتاب‌های زیادی در پاکستان چاپ و مجلات بسیاری منتشر شده است که از جمله آنها هفته‌نامه الدعوه است که به دو زبان پشتو و فارسی در پشاور به چاپ می‌رسد. نشریه المجاهد نیز از نشریات وهابی‌هاست که به صورت ماهانه در پاکستان چاپ می‌شود. از مراکز انتشاراتی دیگر وهابی‌ها در پاکستان می‌توان به اداره ترجمان السند، مکتب قرآن و دفتر مطبوعاتی کراچی اشاره کرد (نجفی سیار، ۱۳۹۲: ۴۳).

ترویج زبان عربی: نفوذ سنتی زبان فارسی در شبه‌قاره هند می‌توانست مانعی در راه گسترش وهابیت در پاکستان باشد؛ بنابراین یکی از سیاست‌های حکومت سعودی برای نشر عقیده وهابی، رواج زبان عربی در پاکستان و جایگزینی زبان عربی به جای زبان فارسی بود که در این راه موفقیت‌هایی نیز به دست آورده‌اند. مهم‌ترین آنها پخش برنامه خبری به زبان عربی در رادیو و تلویزیون پاکستان بوده است.

کمک به سازمان‌های سیاسی وهابی‌مسلك: احزاب و گروه‌های سیاسی نسبتاً زیادی در پاکستان وجود دارند که طرفدار وهابیت هستند. عربستان سعودی برای وابسته کردن هرچه بیشتر این احزاب به حکومت سعودی و از سوی دیگر تقویت موقعیت

آنها در جامعه پاکستان، کمک‌های مالی زیادی به این احزاب کرده است. حزب «جماعت اسلامی»، «جمعیت اهل حدیث»، «جمعیت علمای اسلام»، «حرکت المجاهدین کشمیر»، «حزب جماعت اسلامی کشمیر» و «سپاه صحابه» از مهم‌ترین گروه‌های سیاسی هستند که تاکنون عربستان سعودی مبالغ هنگفتی به آنها اعطا کرده است. این گروه‌ها خدمات بسیاری به وهابیت کرده‌اند. علاوه بر این، تأسیس سازمان بنیادگرای «حرکت الجهاد الاسلامی» (HUJI) نیز با حمایت‌های عربستان سعودی صورت گرفت. حرکت الجهاد اسلامی از بسیاری جهات مبتکر گروه‌های جهادی دیوبندی است. امیر رعنا، از کارشناسان امور پاکستان و مدیر مؤسسه مطالعات عالی مناقشات و صلح در اسلام‌آباد، HUJI را نخستین گروه جهادی سازمان‌یافته در پاکستان می‌داند (Rana, 2004: 12). بدین ترتیب ملاحظه می‌کنیم که عربستان سعودی با اقدامات فوق و صرف هزینه‌های زیاد به ترویج وهابیت در پاکستان و متعاقب آن خشونت‌های فرقه‌ای در پاکستان دامن زده است.

– آمریکا و تروریسم داخلی در پاکستان

در پاسخ به این سؤال که نقش آمریکا در نسل‌کشی شیعیان چیست؟ باید به سوابق آمریکا در مداخله در منطقه در طول جنگ سرد نگاه کنیم. ایالات متحده پس از شکست تحقیرآمیزش به دست مقاومت ویتنام در دهه ۱۹۷۰، تمایلی نداشت که هنگام تجاوز شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ مستقیماً با شوروی مقابله کند. منافع جهانی و منطقه‌ای آمریکا، این کشور را به سوی روابط نزدیک‌تر با پاکستان سوق داد؛ به ویژه اینکه پاکستان همانند پلی بین شمال غربی و جنوب شرقی آسیا، عامل توازن مناسبی در برابر توسعه‌طلبی شوروی به شمار می‌آمد (Hilali, 1995). در پی حمله شوروی به افغانستان، جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، از تهاجم به خاک افغانستان به عنوان جدی‌ترین تهدید علیه صلح از زمان جنگ جهانی دوم به این سو یاد و پای‌بندی کشورش را به حفاظت نظامی از خلیج فارس اعلام کرد. واشنگتن انتظار داشت که اسلام‌آباد در قبال دریافت کمک‌ها، متعهد به دفاع از افغانستان شود و اجازه دهد مجاهدین از خاک این کشور برای رهبری عملیات‌های خود علیه روس‌ها استفاده کنند. بنابراین با توجه به اینکه پاکستان در آن برهه از زمان محلی بود که نیروهای رادیکال، هم به آموزه‌های ایدئولوژیک تجهیز می‌شدند و هم آموزش‌های نظامی فرا می‌گرفتند - در حالی که قبل از جهاد افغانستان چنین وضعیتی حاکم نبود-



به پلی تبدیل شد که جریان‌های جهادی اسلامی را به افغانستان مرتبط می‌ساخت. همین مسئله موجب شد که رادیکالیسم و تفکرات خشونت‌طلبانه در این کشور جای پایی برای خود باز کند و به مرور زمان تأثیرات خود را بر گروه‌های خشونت‌طلب پاکستان بر جای بگذارد. به بیان دیگر، حمایت‌های آمریکا از جریان‌های بنیادگرا در پاکستان بعد از حمله شوروی به افغانستان بر ترویج فرقه‌گرایی در پاکستان به شکل گسترش رادیکالیسم، تروریسم و گروه‌های خشونت‌طلب به خصوص علیه شیعیان تجلی یافته است (نجفی سیار، ۱۳۹۲: ۴۷).

ایالات متحده علاوه بر آموزش مجاهدین افغان در خاک پاکستان که در نهایت به گسترش تروریسم و خشونت‌های فرقه‌ای در این کشور انجامید، به تأثیرگذاری بر مقامات پاکستان و آموزش آنها نیز پرداخت. از مهم‌ترین مقامات پاکستانی که تحت تأثیر ایالات متحده در گسترش فرقه‌گرایی در پاکستان نقش فراوانی داشت، ژنرال ضیاءالحق بود. ضیاءالحق که در آمریکا آموزش نظامی دیده بود و در سال ۱۹۷۷ در پاکستان کودتا کرد، تمایل داشت پاکستان را به کشوری سنی تبدیل کند. به این ترتیب تمایل آمریکا برای بیرون راندن شوروی از افغانستان و تمایل ضیاءالحق برای ایجاد کشوری سنی‌نشین فرصتی برای همکاری و سود دوجانبه فراهم آورد. نتیجه چنین تمایلاتی، تشکیل ارتش نیابتی متشکل از افراطیون وهابی سعودی بود که در نهایت به نام القاعده شناخته شدند و توسط آمریکا، سیا و دلارهای نفتی عربستان تأمین اعتبار می‌شدند (محمودی، ۱۳۹۱: ۴۰).

«نواف عبید»، محقق برجسته دانشگاه هاروارد، درباره حمایت‌های آمریکا و عربستان سعودی از گروه القاعده و طالبان در پاکستان می‌نویسد: «آمریکا سلاح، مهارت و دانش فنی را برای القاعده فراهم می‌کرد و سعودی‌ها نیز تأمین سرمایه می‌کردند.» «هنری کیسینجر»، سیاستمدار و نویسنده معروف آمریکایی، نیز در این خصوص می‌نویسد: «اگرچه آمریکا و طالبان هیچ وجه مشترکی نداشتند، اما دشمنی مشترک داشتند و این آنها را هم‌پیمان و متحد کرده بود.» «مایکل سمپل»، استاد دانشکده کندی، نیز گفته است: «دشمن آنها (طالبان) با آمریکا مشترک بود و دو دولت کارتر و ریگان ۳ میلیارد دلار به مجاهدین کمک نظامی کردند تا با شوروی بجنگند» (Salami, 2013). بعد از خروج نیروهای شوروی از افغانستان، دولت آمریکا تصمیم گرفت به استفاده از این نیروها در مسیری جدید ادامه دهد که می‌توانست راه را برای توازن سیاسی و افراط‌گرایی مذهبی در پاکستان به طور اخص و در منطقه به طور اعم باز کند.

همزمان با اقدامات آمریکا در حمایت از رادیکالیسم در پاکستان بعد از خروج نیروهای شوروی از افغانستان، تعداد زیادی از گروه‌های شیعه قویاً به این رادیکالیسم تازه‌بنیاد که پاکستان را با تهدید هرج و مرج و ناآرامی عمیق‌تر روبه‌رو می‌کرد، واکنش نشان دادند. در مقابل، دولت آمریکا نیز به این نتیجه رسید که باید با این نیروی مبارز (شیعیان) مقابله و آن را محدود کند؛ بنابراین، به طرح‌های پیچیده و جامع روی آورد تا این مقاومت سیاسی و فکری را از بین ببرد. بعد از مدتی، ایالات متحده شروع به تقویت گروه‌های رادیکال مانند القاعده، طالبان، لشکر جهنگوی، سپاه صحابه، جندالله و سایر گروه‌های افراط‌گرا کرد. تمام این اقدامات با کمک عربستان سعودی و بعضی کشورهای عرب به منظور افزایش بنیادگرایی مذهبی و مقابله با نفوذ رو به افزایش ایران در منطقه تحقق یافت (Salami, 2013).

بدین ترتیب، ایالات متحده با اجرای طرح‌هایی پیچیده به گسترش بنیادگرایی و به تبع آن خشونت‌های فرقه‌ای در پاکستان مبادرت ورزید. نتیجه چنین اقداماتی، کشتار سازمان‌یافته شیعیان پاکستان از سوی گروه‌های افراط‌گراست که امروزه گریبان‌گیر جامعه پاکستان شده است. «نیکولاس ویلر»، از کارشناسان مشهور آمریکایی، در خصوص ارتباط آمریکا با ماجرای کشتار شیعیان پاکستان در مقاله خود با عنوان «نسل‌کشی شیعه و نقش آمریکا» می‌نویسد: «انفجارهای ژانویه ۲۰۱۳ که طی آن ۱۰۵ نفر از شیعیان کشته و صدها نفر دیگر مجروح شده بودند محصول حمایت‌های آمریکا از گروه افراطی لشکر جهنگوی است که هدفش تبدیل پاکستان به کشوری سنی‌نشین است» (Weiler, 2013).

۶. راهکارهای محدود کردن کشتار شیعیان

برای کاهش خشونت‌های فرقه‌ای و محدود کردن کشتار شیعیان در پاکستان راهکارهای متعددی وجود دارد. بر این اساس، دولت پاکستان و همسایگان منطقه‌ای این کشور از جمله ایران با ایفای نقش سازنده می‌توانند تأثیر بسزایی در کاهش خشونت‌های فرقه‌ای این کشور داشته باشند. با این مقدمه، در زیر به نقش دولت پاکستان و همین‌طور جمهوری اسلامی ایران در کاهش خشونت‌ها علیه شیعیان پاکستان می‌پردازیم:



الف) نقش دولت پاکستان در محدود کردن کشتار شیعیان پاکستان

همان طور که گفته شد، اقدامات تروریستی و عملیات های فرقه ای در پاکستان توسط عناصر تندروی لشکر جهنگوی، سپاه صحابه، جیش محمد، و... انجام می شود؛ بنابراین، دولت پاکستان می تواند با فشار بیشتر نظامی و سیاسی بر حامیان داخلی و خارجی این گروه ها، عملاً آنها را از بین ببرد. در کنار این، بیشتر جریان های افراطی و تروریستی در پاکستان نیاز به حمایت نظامی، مالی، سیاسی و پشتیبانی خارجی دارند. بنابراین دولت می تواند با شناسایی ریشه های اصلی تغذیه کننده مالی و تسلیحاتی و قطع این کمک ها، به علاوه آموزش و آگاهی دادن به مردم، توسعه وضعیت اقتصادی و رفاه اجتماعی در بسیاری از مناطق فقیر، جمع آوری سلاح های گرم و... ناامنی را به نفع خود مدیریت کند (نقوی، ۱۳۸۱).

دولت هم چنین می تواند با کاهش نیاز مالی خود به کشورهای عربی صادرکننده تفکر سلفی، از نفوذ مراکز و سازمان های فکری و مذهبی تندرو آنان در کشور بکاهد. البته باید توجه کرد در طول سه دهه گذشته، نگرش مشترک و همگرایی در مورد مبارزه با ترور و کشتارهای مذهبی در پاکستان وجود نداشته است. بنابراین باید استراتژی کلان و مشترکی بین نهادهای امنیت سیاسی، قضایی و اجرایی این کشور و هم چنین دولت مرکزی و دولت های ایالات در این زمینه شکل گیرد. به علاوه دولت برای مبارزه با فعالیت های فرهنگی و تبلیغی (القای نسبت کفر به شیعه و...) اقدامات عملی همراه با افزایش آگاهی های عمومی در جامعه پاکستان (که میزان بی سوادی در آن بسیار بالاست) انجام دهد تا نوعی فرهنگ مداراگرایی مذهبی و گفت و گوهای تقریب مذاهب دینی و اسلامی رونق گیرد و به کاهش تنش های فرقه ای و مذهبی و تندروی بینجامد (محمودی، ۱۳۹۱).

ب) نقش ایران در محدود کردن کشتار شیعیان پاکستان

از منظر راهبردی بهترین گزینه برای ایران در محدود کردن کشتار شیعیان پاکستان و نیز حفظ حقوق جامعه شیعی که در معرض خشونت های فرقه ای است، پشتیبانی از روندی دموکراتیک مبتنی بر انتخابات آزاد، آزادی مذهبی، حفظ حقوق اقلیت ها و رواداری مذهبی است. در این میان تشویق شیعه به مشارکت سیاسی و سازماندهی منابعش با هدف حفظ و تضمین منافع خود باید مورد توجه قرار گیرد. شیعیان پاکستان و ایران در هر روند اصلاحی که به کاهش قدرت احزاب و گروه های بنیادگرای



مذهبی و فرقه‌گرا منجر شود، منافع حیاتی دارند. برقراری ارتباط با عناصر میانه‌رو چون جماعت اسلامی و تشویق گروه‌های شیعی به همکاری با آنها در کاهش تنش‌های فرقه‌ای میان شیعه و سنی تأثیرگذار خواهد بود (واعظی، ۱۳۹۰: ۱۷۵). پیشبرد و توفیق چنین راهبردی مستلزم رعایت نکات زیر از سوی جمهوری اسلامی ایران است:

- حمایت دول عربی از گروه‌های تروریستی سپاه صحابه و سایر گروه‌های تروریستی باعث افزایش کشتار شیعیان در پاکستان می‌شود. جمهوری اسلامی ایران با بررسی اوضاع منطقه و فشار آوردن بر دول عربی مبنی بر عدم کمک اقتصادی به گروهک‌های فعال در پاکستان می‌تواند نقش بسزایی در تأمین امنیت این کشور داشته باشد.

- توطئه‌های آمریکا در بی‌ثبات‌سازی و ناآرامی‌های منطقه، از جمله در افغانستان بر مسئله امنیت ملی پاکستان به طور اعم و امنیت شیعیان این کشور به طور اخص، تأثیرگذار خواهد بود. در این زمینه، برقراری ثبات در افغانستان و حفظ امنیت این کشور باید در اولویت سیاست خارجی ایران قرار گیرد (جغتایی، ۱۳۹۱).

- نقش جمهوری اسلامی ایران در آگاهی‌بخشی عمومی به مردم پاکستان، به خصوص شیعیان این کشور از طریق رسانه‌ها در کاهش خشونت‌های فرقه‌ای این کشور بسیار مهم به نظر می‌رسد.

- حمایت از افراد نخبه سرشناس و میانه‌رو پاکستانی از جمله «طاهر القادری»^۱ که مایل به حفظ ثبات امنیتی، اجتماعی و سیاسی در این کشور هستند، از عوامل دیگری است که در کاهش تنش‌های قومی در پاکستان ضروری به نظر می‌رسد (جغتایی، ۱۳۹۱).

- حمایت مالی و معنوی جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های شیعی فعال در پاکستان از جمله «ائتلاف جعفریه پاکستان» و «سازمان دانشجویان امامیه» به منظور قدرت گرفتن مذهب تشیع در پاکستان می‌تواند در کاهش خشونت‌های فرقه‌ای علیه شیعیان مؤثر باشد (ماه پیشانیان، ۱۳۸۹: ۷۶).

۱. «محمد القادری»، یک عالم دین و روحانی ضد طالبان و متصوف پاکستانی است که در سال ۲۰۱۰ فتوایی را در مخالفت با طالبان و حملات انتحاری در پاکستان صادر کرد. هدف القادری ترویج اسلام معتدل و غیرافراطی، ایجاد روابط و درک سالم میان جوامع و ادیان و آموزش اسلام میانه‌رو به جوانان است. وی خواستار تشکیل یک بلوک منطقه‌ای متشکل از کشورهای ایران، پاکستان و افغانستان برای توسعه و رشد زندگی مردم این کشورهاست (جغتایی، ۱۳۹۱: ۱۶۲).



نتیجه‌گیری

حدود سه دهه از آغاز خشونت‌های فرقه‌ای در پاکستان می‌گذرد. طی این مدت شاهد خشونت و ترور از سوی برخی گروه‌های فرقه‌ای علیه شیعیان این کشور بوده‌ایم که طی آن جمعیت زیادی از شیعیان کشته یا زخمی شدند. با توجه به وجود تعارضات فرقه‌ای شیعه و سنی در جامعه پاکستان و ترویج و تشدید آن توسط برخی گروه‌های فرقه‌گرای تروریستی با حمایت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، کشتار شیعیان در این کشور امری انکارناپذیر است. به‌رغم برخی تمهیدات دولت پاکستان در مبارزه با خشونت فرقه‌ای، کماکان تهدید ناشی از آن به صورت عملیات‌های تروریستی به قوت خود باقی است. بعد از وقوع حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به افغانستان و سپس عراق، آمار تلفات انسانی ناشی از خشونت‌های فرقه‌ای علیه شیعیان در پاکستان افزایش یافته است. وقوع ۳۱۱ حادثه تروریستی از سال ۲۰۰۱ تاکنون (۲۰۱۳) که طی آن ۳۶۰۵ نفر از شیعیان زخمی و ۱۹۶۲ نفر از آنان کشته شده‌اند، مؤید این مطلب است.

اما آینده شیعه و شیعه‌ستیزی در پاکستان نیز در گرو سه عامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. در سطح ملی، نقش دولت پاکستان در افزایش یا کاهش خشونت‌های فرقه‌ای، سیاست‌های عربستان سعودی در ترویج وهابیت و در سطح بین‌المللی افزایش دخالت‌های ایالات متحده در پاکستان با هدف ترویج خشونت‌های فرقه‌ای جملگی بر آینده شیعه و شیعه‌ستیزی در پاکستان تأثیرگذارند.



منابع فارسی

- استرن، جسیکا (۱۳۷۹)، «فرهنگ جهاد در پاکستان»، ترجمه ف. فرهنگدفر، مجله ترجمان سیاسی، س ۶، ش ۲، آذر.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹)، کتاب ویژه آسیا ۵، (ویژه مسائل پاکستان)، انتشارات ابرار معاصر تهران.
- خبیری، کابک و مارال دربندی (۱۳۸۹)، امنیت بین‌الملل و تروریسم ۳، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- عارفی، محمد اکرم (۱۳۸۵)، شیعیان پاکستان، انتشارات مؤسسه شیعه‌شناسی قم.
- عارفی، محمد اکرم (۱۳۸۸)، «شیعیان پاکستان»، فصلنامه شیعه‌شناسی، ش ۳ و ۴.
- عارفی، محمد اکرم (۱۳۸۰)، «پاکستان و بنیادگرایی اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۱۶.
- علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۵)، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- فلاح‌زاده، محمدهادی (۱۳۸۵)، آشنایی با کشورهای اسلامی ۵ (پاکستان)، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر الگوهای بی‌ثباتی در پاکستان، کتاب آسیا، (ویژه پاکستان)، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمودی، زهرا (۱۳۹۱)، جایگاه شیعیان در پاکستان، واحد پژوهش‌های کاربردی برون‌مرزی صدا و سیما، تابستان.
- محمودی، زهرا (۱۳۹۱)، عوامل تأثیرگذار بر تشدید فرقه‌گرایی در پاکستان، سایت مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- محمودی، زهرا (۱۳۸۸/۷/۱۵)، «خشونت فرقه‌ای، امنیت، صلح (مطالعه موردی: پاکستان)»، کنفرانس بین‌المللی تحولات جدید ایران و - جهان، سخنرانی در گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین.
- ملازهی، پیر محمد (۱۳۸۶)، «سلفی‌گری در پاکستان»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، س ۸، ش ۳۱-۳۰، تابستان و پاییز.
- نجفی سیار، رحمان (۱۳۹۱)، جایگاه شیعیان در پاکستان، واحد پژوهش‌های کاربردی برون‌مرزی صدا و سیما، تابستان.
- نقوی، سید ساجدعلی (۱۳۸۴)، «شیعیان و چالش‌های پیش رو؛ وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شیعیان در پاکستان»، فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، س ۳، ش ۱۰، تابستان.
- واعظی، طیبه (۱۳۹۰)، مناسبات راهبردی ایران و پاکستان، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Hassan, "The Pakistan Shia", at *Middle East Institute*, Available ,Abbas - at:http://www.mei.edu/portals/0/Publications/Hassan_the_pakistani_shia.pdf

Abou Zahab, Mariam (2002), "The Regional Dimension of Sectarian - :Delhi New ?Nation a without Nationalism , "Conflicts in Pakistan *Publications*, Available at: <http://www.ceri-sciencespo.com/Manohar.archive/octo00/artmaz.pdf>

Abou Zahab, Maryam, "The Unholy Nexxus: Talibanism and - Secretarianism in Pakistan Tribal Areas" at: http://www.cerisciencespo.com/archive/2009/juin/dossier/art_mz.pdf

Ahmar, Moonis (2010), *Sectarian Conflict in Pakistan*, University of - .Punjab

Amir Rana,, Muhammad (2004), *A to Z of Jihadi Organizations in - .Pakistan, Trans*, Saba Ansari, Lahore: Mashal Books

Weak Dangerously A :Pakistan of Crisis The" ,(2007) Issace ,Fakir - *Affairs*, Vol. 11, No. 3, *International of Review East Middle* , "State .September

Hilali, A. Z, (1995), "*Cold War Politics of Super Powers in South - Asia*", Available at:<http://www.qurtuba.edu.pk>

.Hoffman, B, (1998), *Inside Terrorism*, London: Victor Golan -

Hoqqani, Hossain, "Weeding out the Heretics: Sectarian in Pakistan", - :*Current Trends in Ideology*, Vol. 4, at HADSON Institute, Available at [http://www.Currenttrends.org/research/detail/weeding-out-the-heretics-\[secretarianism-in-pakistan](http://www.Currenttrends.org/research/detail/weeding-out-the-heretics-[secretarianism-in-pakistan) [2010/14/7

<http://www.independent.co.uk/news/media/tv-radio/bbc-to-issue-global-apology-for-documentaries-that-broke-rules-6719997.html>

<http://www.presstv.com/detail/2013/01/12/283189/pakistan-in-throes-of-genocidal-ideology/>

- M. A. Ashraf (2004), "True Islamic Teachings Compared to Al-Qaeda's .Doctrine", *The Review of Religions*, Vol. 99, No. 4, P 31-52, April

Magnus Ranstrop (1996), "Terrorism in the Name of Religion", *Journal -*

of International Affairs, Vol. 50, No. 1, P 41-62, Summer, also available
 .at: <http://www.cianet.org/wps/ram01>
 Raman, B. (2002), "Sipah-E-Sahaba Pakistan, Lashkar-E-Jhangvi, Bin -
 .Laden & Ramzi Yousef", **South Asia Analysis Group**
 Raman, B. (2003), "The Shia Anger", **South Asia Analysis Group**, -
 .Available at: <http://www.southasiaanalysis.org>
 :- Salami, Ismail, **Pakistan in Throes of Genocidal Ideology**, Available at
 ,South Asia Terrorism Portal (2013), **Shias killed in Pakistan since 2001** -
 .Institute for Conflict Management
 Weiler, Yuram Abdullah (2013), **Shia Genocide: The United States' Role**, -
 Jan. 15: [http://www.presstv.com/detail/2013/01/15/283751/shia-genocide-](http://www.presstv.com/detail/2013/01/15/283751/shia-genocide-the-united-states-role)
 .the-united-states-role

منابع اینترنتی

- اسلام تایمز (۱۳۹۲)، «کشتار شیعیان پاکستان و دست‌های پشت صحنه»، آدرس:
<http://www.islamtimes.org/html.k5k4.vdcaomn6i49nm01/>
 - آلسون، فیلیپ، «ضمیمه مطالعه قتل‌های سازمان‌یافته»، گزارش در شورای حقوق بشر
 2010 May 10 .6./Add/14/24/HRC/A:
 - جغتایی، روح‌الله (۱۳۹۱)، علل کشتار شیعیان پاکستان، اندیشکده راهبردی تبیین، آدرس:
[http://www.tabyincenter.ir/index.php/item/research/162-shias-of-reasons-](http://www.tabyincenter.ir/index.php/item/research/162-shias-of-reasons-pakistan-in-genecide)
 -shias-of-reasons-162/item/research/php.index/ir.tabyincenter//:http
 pakistan-in-genecide
 - شفیعی، نوذر، «آیا سکوت ایران مدبرانه بود؟»، دیپلماسی ایرانی، آدرس
<http://www.irdiplomacy.ir/page/fa/1911619>
 - شفیعی، نوذر، «وهابیت در پاکستان»، آدرس
<http://www.blogfa.com/post/176.aspx>

